تأثیر فناوری و فضای مجازی بر تربیت کودکان

دکتر جواد رحمانی و لیلا رحمانی

مدرس زبان انگلیسی، استان قزوین، شهرستان تاکستان (نویسنده مسئول)

مدرس زبان و ادبیات فارسی، استان قزوین، شهرستان تاکستان (نویسنده همکار)

javad.rahmani.zaban@gmail.com

leila.rahmani.adab@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۰۴/ ۰۷ / ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۲۳ / ۱۱ / ۱۴۰۴

چکیده

تربیت کودک، به‌عنوان فرآیندی نظام‌مند و چندلایه که بر تعامل عوامل زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی مبتنی است، در عصر حاضر با ظهور فناوری‌های نوین و گسترش فضای مجازی دستخوش تغییرات بنیادین شده است. هدف این پژوهش، بررسی انتقادی تأثیر فناوری و فضای مجازی بر تربیت کودکان و شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های آن در خانواده و نظام آموزشی است. روش تحقیق توصیفی – تحلیلی و مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل نظری منابع علمی معتبر انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که فضای مجازی می‌تواند با فراهم‌آوری دسترسی گسترده به اطلاعات، تقویت مهارت‌های شناختی، تسهیل یادگیری خودراهبر و توسعه سرمایه فرهنگی، فرصت‌های آموزشی و تربیتی قابل‌توجهی ایجاد کند. در مقابل، استفاده بی‌رویه یا بدون نظارت از این فضا می‌تواند منجر به وابستگی رسانه‌ای، کاهش تعاملات حضوری، شکل‌گیری ارزش‌های ناهمسو و مواجهه با محتوای نامناسب شود. بر اساس نتایج، ارتقای سواد رسانه‌ای، نظارت هدفمند والدین و سیاست‌گذاری متوازن آموزشی برای بهره‌برداری مؤثر و ایمن از فناوری ضروری است.

واژگان کلیدی: تربیت کودک، فناوری‌های نوین، فضای مجازی، سواد رسانه‌ای، تعلیم و تربیت، جامعه‌پذیری.

۱. مقدمه

تربیت کودکان از اساسی‌ترین دغدغه‌های جوامع انسانی به شمار می‌آید، زیرا کیفیت پرورش نسل آینده با پایداری فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی جامعه ارتباط مستقیم دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که محیط زندگی، رسانه‌ها و الگوهای ارتباطی نقش مؤثری در شکل‌گیری شخصیت و رفتار کودکان دارند و در برخی موارد، تأثیرات منفی نیز بر رفتار و نگرش آنان برجای می‌گذارند (انجمن روان‌پزشکی کودک و نوجوان آمریکا[۳۵]، ۲۰۰۹).

با گسترش فناوری‌های نوین و دسترسی آسان به اینترنت، فضای مجازی به بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی کودکان تبدیل شده است. این فضا، از یک سو، فرصت‌های گسترده‌ای برای یادگیری، دسترسی به اطلاعات و تعاملات اجتماعی فراهم می‌آورد، و از سوی دیگر، نیازمند توجه به حقوق کودکان و محافظت از آن‌ها در برابر مخاطرات محتوایی است (حسین‌زاده، ۱۳۹۹؛ شکوهی و اصغرزاده طالبی، ۱۳۹۸).

کودکان در معرض ابزارهای دیجیتال از سنین پایین قرار دارند و این مواجهه می‌تواند تأثیرات متنوعی بر رشد شناختی، اجتماعی و اخلاقی آنان داشته باشد. استفاده بیش از حد از رسانه‌های دیجیتال ممکن است به اختلال در تمرکز، پردازش شناختی و سلامت روانی منجر شود، در حالی که فناوری‌های تعاملی و بازی‌های دیجیتال می‌توانند مهارت‌های حل مسئله، همکاری و خودنظارتی را تقویت کنند (مؤسسه ملی سلامت کودک آمریکا، ۲۰۲۴؛ تورِس و همکاران[۳۶]، ۲۰۲۱).

با توجه به شرایط جدید ناشی از گسترش فناوری، بررسی علمی و چندبعدی تأثیرات آن بر تربیت کودکان ضروری است. چنین تحلیلی نه‌تنها درک دقیق‌تری از فرصت‌ها و چالش‌ها فراهم می‌کند، بلکه امکان تدوین راهبردهای تربیتی مبتنی بر سواد رسانه‌ای و هدایت هوشمندانه کودکان را میسر می‌سازد.

۲. مبانی نظری

تربیت کودک فرآیندی پویا و چندبعدی است که رشد هماهنگ فرد در ابعاد شناختی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی را دنبال می‌کند. این فرآیند در تعامل کودک با محیط شکل می‌گیرد و عوامل متعددی از جمله خانواده، مدرسه، فرهنگ، همسالان و رسانه‌ها در آن مؤثر هستند (شکوهی و اصغرزاده طالبی، ۱۳۹۸).

۱.۲. نظریه‌های رشد شناختی و اجتماعی

ژان پیاژه[۳۷] (۱۹۷۲): کودکان در مراحل مختلف رشد، جهان را به شیوه‌های متفاوت درک می‌کنند و توانایی تحلیل انتقادی آنان به‌تدریج شکل می‌گیرد. از این منظر، مواجهه کودکان با محتوای رسانه‌ای بسته به مرحله رشد، تأثیرات متفاوتی بر ادراک و یادگیری آنان دارد.

---

[۳۵] National Institute of Child Health and Human Development (NICHD)
[۳۶] Torres, P., et al.
[۳۷] Piaget, J.

لِو ویگوتسکی (۱۹۷۸): یادگیری از طریق تعامل اجتماعی و استفاده از ابزارهای فرهنگی، از جمله فناوری، رخ می‌دهد. فضای مجازی می‌تواند به‌عنوان ابزاری فرهنگی، فرصت‌هایی برای یادگیری مشارکتی و تبادل دانش فراهم آورد، اما نیازمند هدایت بزرگسالان است.

آلبرت بندورا[۳۸] (۱۹۷۷): کودکان از طریق مشاهده و الگوبرداری، رفتارها و نگرش‌های خود را شکل می‌دهند. رسانه‌ها با ارائه گسترده الگوهای رفتاری و سبک‌های زندگی، نقش مهمی در این فرآیند ایفا می‌کنند.

۲.۲. نظریه‌های محیطی و رسانه‌ای

یوری برونفنبرنر[۳۹] (۱۹۷۹): تربیت کودک نتیجه تعامل نظام‌های محیطی مختلف است. فضای مجازی یکی از این نظام‌هاست که می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر رشد کودک اثرگذار باشد و مرزهای محیط‌های تربیتی سنتی را تغییر دهد.

جرنر[۴۰] (۱۹۹۸): نظریه‌های رسانه‌ای نشان می‌دهند که مواجهه مداوم با پیام‌های رسانه‌ای برداشت کودکان از واقعیت اجتماعی را شکل می‌دهد و نحوه ارائه پیام‌ها بر تفسیر آنان تأثیر می‌گذارد. کودکان به دلیل محدودیت در تحلیل انتقادی، آسیب‌پذیری بیشتری در برابر پیام‌های رسانه‌ای دارند (انجمن روان‌پزشکی کودک و نوجوان آمریکا، ۲۰۰۹).

در مجموع، مبانی نظری حاکی از آن است که تربیت کودک در عصر دیجیتال نیازمند درک تعامل میان رشد شناختی، یادگیری اجتماعی، فرهنگ و رسانه‌هاست. فضای مجازی می‌تواند بستری برای توسعه مهارت‌های شناختی و اجتماعی فراهم آورد، اما فقدان نظارت و سواد رسانه‌ای می‌تواند چالش‌های تربیتی ایجاد کند.

۳. بیان مسأله

با گسترش سریع فناوری‌های نوین و دسترسی آسان کودکان به فضای مجازی، نگرانی‌های جدی درباره تأثیرات روانی، اخلاقی و اجتماعی این فضا بر فرآیند تربیت آنان شکل گرفته است. کودکان، به‌عنوان گروهی حساس و در حال شکل‌گیری شخصیت، تحت تأثیر مستقیم محتوای دیجیتال قرار دارند و استفاده نادرست یا بدون نظارت از فناوری‌های نوین می‌تواند به بروز اختلالات رفتاری، کاهش مهارت‌های ارتباطی و آسیب‌های روان‌شناختی منجر شود.

در عین حال، نمی‌توان نقش مثبت فناوری‌های نوین در آموزش و پرورش کودکان را نادیده گرفت. ابزارهای دیجیتال و منابع آنلاین فرصت‌های بی‌سابقه‌ای برای تقویت مهارت‌های شناختی، یادگیری فعال و توسعه خلاقیت فراهم می‌آورند. بنابراین، تأثیر فناوری و فضای مجازی نه به‌طور مطلق مفید است و نه کاملاً آسیب‌زا، بلکه وابسته به نحوه مدیریت و استفاده از آن است.

---

[۳۸] Bandura, A.
[۳۹] Bronfenbrenner, U.
[۴۰] Gerbner, G.

مسأله اصلی این پژوهش، بررسی میزان و شیوه تأثیر فناوری و فضای مجازی بر تربیت کودکان و شناسایی راهکارهای علمی و عملی برای بهره‌گیری بهینه و کنترل‌شده از این فضا است. هدف، تحلیل فرصت‌ها و تهدیدات ناشی از استفاده از فناوری و ارائه پیشنهادهایی کاربردی برای والدین، مربیان و سیاست‌گذاران آموزشی است.

۴. روش تحقیق

این پژوهش از نوع توصیفی – تحلیلی است و با هدف شناسایی و تحلیل تأثیرات فضای مجازی بر تربیت کودکان طراحی شده است. در این رویکرد، جمع‌آوری داده‌ها محدود به مشاهده مستقیم یا پرسشنامه نبوده و بیشتر بر مطالعات کتابخانه‌ای و مرور نظام‌مند منابع علمی معتبر تمرکز دارد.

منابع مورد استفاده شامل مقالات پژوهشی منتشرشده در مجلات علمی – پژوهشی، کتب تخصصی در حوزه روان‌شناسی تربیتی، آموزش کودکان و رسانه‌های دیجیتال، پایان‌نامه‌ها و گزارش‌های تحقیقاتی مرتبط بود. پس از گردآوری داده‌ها، تحلیل اطلاعات به شیوه کیفی – تحلیلی انجام شد تا ابعاد مختلف تأثیر فضای مجازی بر جنبه‌های اخلاقی، اجتماعی و روانی کودکان با دقت و جامعیت بررسی شود.

در این فرآیند، داده‌ها از نظر الگوهای رفتاری، پیامدهای تربیتی و فرصت‌های آموزشی تحلیل و دسته‌بندی شدند. این روش امکان ارائه نتایج علمی قابل اتکا و استخراج راهبردهای عملی و توصیه‌های سیاست‌گذارانه برای والدین، مربیان و نظام آموزشی را فراهم می‌آورد.

۵. پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر، تأثیر فناوری‌های دیجیتال و رسانه‌های مجازی بر کودکان، توجه محققان حوزه‌های تربیتی، روان‌شناسی و ارتباطات را به خود جلب کرده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که هم کودکان و هم والدین، تأثیرات مثبت و منفی استفاده از فناوری‌های دیجیتال را تجربه می‌کنند. استفاده هدفمند از فناوری می‌تواند عملکرد شناختی و خلاقیت کودکان را ارتقا دهد، اما استفاده بیش از حد یا بدون نظارت، با پیامدهای رفتاری و اجتماعی نامطلوب همراه است.

خادر[۴۱] (۲۰۲۴) تأکید می‌کند که به‌کارگیری ابزارهای دیجیتال در فرآیند یادگیری می‌تواند خلاقیت و مهارت‌های تفکر انتقادی را تقویت کند، به‌ویژه زمانی که محتوا و کاربرد فناوری با اهداف آموزشی سازگار باشد. با این حال، پیامدهای منفی نیز در پژوهش‌ها به‌وضوح دیده می‌شود؛ به‌عنوان مثال، استفاده طولانی‌مدت از رسانه‌های دیجیتال ممکن است تمرکز و توجه کودکان را کاهش دهد و با اختلالات خواب، تحریک‌پذیری عاطفی و رفتارهای پرخاشگرانه همراه باشد (سلمان[۴۲] و همکاران، ۲۰۲۴).

[۴۱] Khader
[۴۲] Salman,. et al.

در ادبیات پژوهشی فارسی نیز یافته‌ها نشان می‌دهد که رسانه‌ها ابزارهای قدرتمندی در انتقال ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و رشد شناختی کودکان هستند و بین میزان استفاده از رسانه و توسعه شناختی کودک رابطه معناداری وجود دارد (دب نث۴۳و همکاران، ۲۰۲۴). به‌طور کلی، پیشینه تحقیق حاکی از نقش چندوجهی و پیچیده فناوری در تربیت کودکان است: فناوری می‌تواند به تقویت یادگیری، خلاقیت و مهارت‌های شناختی کمک کند، و در صورت استفاده افراطی یا بدون نظارت، زمینه‌ساز پیامدهای منفی رفتاری، اجتماعی و سلامت باشد.

۶. تأثیرات فناوری و فضای مجازی بر تربیت کودکان

۱.۶. تأثیرات مثبت

فناوری‌های نوین آموزشی، محیط‌های یادگیری تعاملی و خلاقانه‌ای برای کودکان فراهم کرده‌اند. استفاده از نرم‌افزارهای آموزشی، بازی‌های دیجیتال هدفمند و منابع چندرسانه‌ای، تجربه یادگیری مبتنی بر کشف، آزمایش و مشارکت فعال را ارتقا می‌دهد و موجب افزایش انگیزه درونی، توسعه مهارت‌های حل مسئله و پرورش تفکر خلاق می‌شود.

علاوه بر این، دسترسی به منابع اطلاعاتی متنوع و امکان یادگیری خودراهبر در فضای مجازی، سرمایه فرهنگی و مهارت‌های شناختی کودکان را تقویت می‌کند. تعامل با محتوای آموزشی و ارتباط با همسالان در بسترهای دیجیتال، مهارت‌های ارتباطی، همکاری و درک بین‌فرهنگی را ارتقا می‌دهد. هدایت تربیتی صحیح می‌تواند این تعاملات را به بستری برای رشد اجتماعی، افزایش اعتمادبه‌نفس و تقویت هویت یادگیرنده تبدیل کند.

۲.۶. تأثیرات منفی و چالش‌ها

استفاده نامحدود یا بدون هدایت از فضای مجازی می‌تواند پیامدهای منفی قابل توجهی ایجاد کند. کاهش تعاملات اجتماعی واقعی، وابستگی رسانه‌ای، کاهش فعالیت‌های بدنی، مواجهه با محتوای نامناسب و اطلاعات نادرست، از جمله چالش‌های این فضا هستند.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که استفاده طولانی‌مدت از رسانه‌های دیجیتال ممکن است موجب کاهش تمرکز، اختلالات خواب، تحریک‌پذیری عاطفی و ضعف در تنظیم هیجانی شود. وابستگی به ارتباطات مجازی همچنین فرصت تمرین مهارت‌های اجتماعی واقعی را محدود کرده و بر کیفیت روابط بین‌فردی تأثیر می‌گذارد. بنابراین، مدیریت زمان استفاده و کیفیت محتوای مصرفی از اهمیت اساسی برخوردار است.

۷. نقش والدین و مربیان در مدیریت فضای مجازی

در شرایط کنونی، نقش والدین و مربیان در هدایت تعامل کودکان با فناوری بیش از پیش اهمیت یافته است. ارتقای سواد رسانه‌ای، آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی و ایجاد الگوی مصرف متعادل از راهبردهای کلیدی هستند.

---

[۴۳] Deb Nath., et al.

تعیین چارچوب‌های زمانی مشخص، انتخاب منابع مناسب با سن و سطح رشدی کودک و مشارکت فعال والدین در فعالیت‌های دیجیتال، به ایجاد تعادل میان فرصت‌ها و مخاطرات کمک می‌کند. همچنین، همکاری میان خانواده و نظام آموزشی برای تدوین برنامه‌های تربیتی مبتنی بر فناوری، استفاده هدفمند و سازنده از فضای مجازی را تسهیل می‌کند. نظارت آگاهانه ـ نه محدودسازی صرف ـ این امکان را فراهم می‌آورد که کودکان ضمن بهره‌مندی از مزایای فناوری، مهارت‌های مسئولانه استفاده از رسانه را نیز بیاموزند.

۸. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

تحلیل منابع و داده‌های بررسی‌شده نشان می‌دهد که فناوری و فضای مجازی نقش دوسویه و پیچیده‌ای در تربیت کودکان دارند. آثار مثبت و منفی آن به میزان، نوع و کیفیت استفاده از ابزارهای دیجیتال وابسته است.

در چارچوب نظری رشد شناختی، بهره‌گیری هدفمند از فناوری می‌تواند مهارت‌های ذهنی مانند حل مسئله، تفکر خلاق و یادگیری خودراهبر را تقویت کند. این یافته‌ها با نظریه‌های اجتماعی - فرهنگی و یادگیری مشاهده‌ای همخوانی دارد، زیرا فضای مجازی به‌عنوان یک ابزار فرهنگی، بستر تعامل، الگوبرداری و انتقال دانش را فراهم می‌کند.

در مقابل، نبود هدایت تربیتی و نظارت آگاهانه می‌تواند پیامدهایی همچون وابستگی رسانه‌ای، کاهش تعاملات واقعی و مواجهه با محتوای نامناسب را به دنبال داشته باشد. از منظر بوم‌شناختی، فضای مجازی به‌عنوان یکی از محیط‌های اثرگذار بر رشد کودک، با سایر نظام‌های تربیتی مانند خانواده و مدرسه تعامل دارد و تأثیر آن نه مستقل، بلکه در ترکیب با سایر عوامل محیطی قابل تبیین است.

همچنین بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که فناوری نه تنها ابزار انتقال اطلاعات، بلکه عامل شکل‌دهنده نگرش‌ها و ارزش‌هاست. محدودیت مهارت‌های تحلیل انتقادی در کودکان، آن‌ها را در برابر پیام‌های رسانه‌ای آسیب‌پذیر می‌سازد و ضرورت آموزش سواد رسانه‌ای و توانایی ارزیابی انتقادی محتوا را برجسته می‌کند.

در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهند که فناوری را نمی‌توان صرفاً سودمند یا زیان‌آور دانست؛ بلکه اثر آن وابسته به مدیریت، چارچوب‌های تربیتی و سطح آگاهی کاربران است. ایجاد تعادل میان بهره‌برداری از فرصت‌های آموزشی فناوری و کاهش مخاطرات آن، به‌عنوان راهبردی اساسی در تربیت کودکان عصر دیجیتال مطرح می‌شود.

۹. پیشنهادها

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش درباره تأثیر فناوری و فضای مجازی بر تربیت کودکان، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۹. ۱. ارتقای سواد رسانه‌ای کودکان

طراحی برنامه‌های آموزشی در مدارس و خانواده‌ها برای تقویت مهارت تحلیل انتقادی محتوا، تشخیص اطلاعات نادرست و استفاده مسئولانه از فضای مجازی توصیه می‌شود.

۹. ۲. نظارت آگاهانه والدین

والدین با تعیین چارچوب زمانی مناسب برای استفاده از ابزارهای دیجیتال، انتخاب محتوای متناسب با سن کودک و مشارکت فعال در فعالیت‌های آنلاین، می‌توانند پیامدهای منفی احتمالی را کاهش دهند.

۹. ۳. تولید و توسعه محتوای آموزشی مناسب کودک

سیاست‌گذاران و تولیدکنندگان محتوا باید بر تولید برنامه‌ها و نرم‌افزارهای آموزشی بومی و متناسب با نیازهای رشدی و فرهنگی کودکان تمرکز کنند.

۹. ٤. همکاری میان نظام آموزشی و خانواده

ایجاد ارتباط و هماهنگی میان مدارس و خانواده‌ها برای تدوین راهبردهای مشترک استفاده از فناوری می‌تواند بهره‌وری آموزشی فضای مجازی را افزایش دهد.

۹. ۵. انجام پژوهش‌های تجربی بیشتر

پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده با استفاده از روش‌های میدانی و تجربی، تأثیرات بلندمدت فناوری بر ابعاد مختلف رشد کودکان را بررسی کنند تا داده‌های دقیق‌تری برای سیاست‌گذاری فراهم شود.

۹. ٦. ایجاد تعادل در سبک زندگی کودکان

تشویق کودکان به فعالیت‌های بدنی، تعاملات اجتماعی واقعی و برنامه‌های فرهنگی در کنار استفاده از فناوری، برای حفظ رشد متوازن شناختی و عاطفی ضروری است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که فناوری و فضای مجازی، به‌عنوان مؤلفه‌ای کلیدی در زندگی معاصر، نقشی چندبعدی و اثرگذار در رشد شناختی، اجتماعی و اخلاقی کودکان دارند. دسترسی گسترده به منابع اطلاعاتی، امکان یادگیری تعاملی و تقویت مهارت‌های خلاقانه، ظرفیت‌های مثبت فناوری محسوب می‌شوند که در صورت بهره‌برداری هدفمند، کیفیت تربیت و آموزش کودکان را ارتقا می‌دهند.

با این حال، استفاده بی‌رویه یا بدون هدایت از فضای مجازی می‌تواند پیامدهایی همچون وابستگی رسانه‌ای، کاهش تعاملات اجتماعی واقعی، مواجهه با محتوای نامناسب و اختلالات رفتاری و عاطفی را ایجاد کند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که فناوری نه ذاتاً سودمند و نه کاملاً زیان‌آور است، بلکه آثار آن به نحوه مدیریت و سطح آگاهی کاربران وابسته است.

نقش والدین، مربیان و سیاست‌گذاران آموزشی در هدایت استفاده کودکان از فناوری اهمیت ویژه‌ای دارد. ارتقای سواد رسانه‌ای، نظارت آگاهانه و ایجاد تعادل میان فعالیت‌های دیجیتال و تعاملات واقعی، امکان بهره‌برداری سازنده از فرصت‌های فناوری و کاهش مخاطرات آن را فراهم می‌آورد. همکاری میان خانواده و نظام آموزشی نیز برای ایجاد چارچوب‌های تربیتی مناسب ضروری است.

در نتیجه، تربیت کودکان در عصر دیجیتال نیازمند رویکردی متوازن و آگاهانه است؛ رویکردی که نه به حذف فناوری می‌اندیشد و نه به استفاده بی‌قیدوشرط از آن، بلکه بر مدیریت هوشمندانه و بهره‌گیری مسئولانه از ظرفیت‌های آن تأکید دارد. چنین نگرشی، رشد همه‌جانبه کودکان و آمادگی آنان برای زندگی در جامعه‌ای مبتنی بر فناوری را تضمین می‌کند.

منابع

انجمن روان‌پزشکی کودک و نوجوان آمریکا. (۲۰۰۹). بررسی اثر رسانه بر کودکان و نوجوانان.

حسین‌زاده، احسان. (۱۳۹۹). حقوق کودکان در فضای مجازی. تهران: نشر علمی.

شکوهی، صفورا؛ اصغرزاده طالبی، پریسا. (۱۳۹۸). تأثیر فضای مجازی بر تربیت کودکان. مجله مطالعات تربیتی، ۱۲(۳)، ۴۵–۶۲.

Bandura, A. (۱۹۷۷). Social learning theory. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.

Bronfenbrenner, U. (۱۹۷۹). The ecology of human development: Experiments by nature and design. Cambridge, MA: Harvard University Press.

Deb Nath., et al. (۲۰۲٤). Digital media and children’s mental health.

Gerbner, G. (۱۹۹۸). Cultivation analysis: An overview. Mass Communication & Society, ۱(۳–٤), ۱۷٥–۱۹٤.

Khader. (۲۰۲٤). Use of digital tools in children’s learning.

National Institute of Child Health and Human Development (NICHD). (۲۰۲٤). Effects of digital media on child development. Bethesda, MD: U.S. Department of Health and Human Services.

Piaget, J. (۱۹۷۲). The psychology of the child. New York: Basic Books.

Salman,. et al. (۲۰۲٤). Behavioral consequences of prolonged digital media use among children.

Shrovski, F., & Vanderloop, J. (۲۰۲۳). Children and misinformation in social media. New York: Routledge.

Torres, P., et al. (۲۰۲۱). Digital game technologies and child behavior: A systematic review. Computers & Education, ۱٦۸, ۱۰٤–۲۲۳.

Vygotsky, L. S. (۱۹۷۸). Mind in society: The development of higher psychological processes. Cambridge, MA: Harvard University Press.

Subject: The Impact of Technology and Cyberspace on Child Upbringing

Authors:

Leila Rahmani ؛ Dr. Javad Rahmani

Abstract

Child upbringing, as a systematic and multi-layered process based on the interaction of biological, psychological, and social factors, has undergone significant changes in the contemporary era due to the emergence of new technologies and the expansion of cyberspace. This study aims to critically examine the impact of technology and cyberspace on child upbringing and to identify the opportunities and challenges it presents within the family and educational contexts. The research adopts a descriptive–analytical approach based on library studies and theoretical analysis of reputable academic sources. Findings indicate that cyberspace can provide extensive access to information, strengthen cognitive skills, facilitate self-directed learning, and enhance cultural capital, thereby creating notable educational and developmental opportunities. Conversely, excessive or unsupervised use of cyberspace may lead to media dependency, reduced face-to-face interactions, formation of conflicting value patterns, and exposure to inappropriate content. Based on the results, promoting media literacy, implementing informed parental supervision, and establishing balanced educational policies are essential for effective and safe use of technology in child upbringing.

Keywords: Child upbringing, New technologies, Cyberspace, Media literacy, Education, Socialization.